

اصفهان و قرطبه

در دوران اخیر فلاسفه و اندیشمندان ایرانی در پرتو فکر و فرهنگ شیعی آثار ارزشمند و گرانبهایی را خلق کرده‌اند و به نوعی توانسته‌اند به اندیشه‌ای مستقل و متناسب با آداب و سنن خویش دست یابند. به رغم اعتقاد غربیان بر این امر که چراغ اندیشه و تفکر پس از ابن رشد در جهان اسلام خاموش شد، لیکن این امر درباره ایران معاصر صادق نیست. در این سرزمین، فلسفه با چهره‌ای تازه با عنوان «حکمت متعالیه» تحول، تکامل و رشد یافته است.

به منظور آشنایی بیشتر جهانیان با آرای فلاسفه ایرانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدنها، دانشگاه تهران، استانداری اصفهان و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان در روزهای هفتم تا نهم اردیبهشت ماه اقدام به برگزاری همایشی با عنوان «اصفهان و قرطبه» در هتل عباسی اصفهان نمود.

در این همایش علاوه بر اندیشمندان ایرانی، فرهیختگانی از دیگر کشورهای جهان چون: ترکیه، مراکش، آلمان، اسپانیا، ایتالیا، بلژیک، انگلستان، شبه‌قاره هند و... حضور داشتند.

مقالات ارائه شده توسط استادان ایرانی در این همایش عبارت بودند از: «مکتب فلسفی شیخ رجبعلی تبریزی در اصفهان / دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی»؛ «رابطه دین و فلسفه از نظر ابن رشد / دکتر احمد احمدی»؛ «پیوند ایران با اندلس / پرویز اذکابی»؛ «حکمت یمانی و نوآوریهای فلسفی میرداماد / علی اوجبی»؛ «ابن رشدیان لاتینی و محکومیت سال ۱۲۷۷ / دکتر محمدرضا بهشتی»؛ «جایگاه آذربایجان در تاریخ فلسفه در دوره سلجوقیان و ایلخانان / دکتر نصرالله پورجوادی»؛ «تداوم اندیشه فلسفی در ایران از قرن هفتم تا عصر حاضر / مهدی تدین»؛ «پژوهشی در اندیشه فلسفی میرقوام‌الدین رازی تهرانی / دکتر غلامرضا جمشیدنژاد اول»؛ «عناصر سازنده اندیشه فیض کاشانی / جويا جهانبخش»؛ «معقولات ثانی فلسفی و نقش آنها در حل معمای شناخت در فرآیند تحول فهم معرفت بشری / دکتر مرتضی حاج حسینی»؛ «ملا محمد کاشانی / شیخ محمدعلی حائری»؛ «تأملاتی درباره مطالعات مربوط به علوم اسلامی و ضرورت بازنگری در روشها / دکتر حسن حبیبی»؛ «قاضی سعید قمی / دکتر نجفقلی حبیبی»؛ «وجودشناسی ابن سینا / دکتر محمد خوانساری»؛ «قرطبه و اصفهان و تشابه دو مکتب فلسفی آن / دکتر علی دوانی»؛ «سیر و تطور نظریه زمان در مکتب فلسفی اصفهان / دکتر مهدی

دهباشی»؛ «مکان و مکانیت فلسفی / دکتر سیدموسی دیباج»؛ «دبستان ترجمه در تولد و گذرگاه دانش مسلمانان به جهان اروپا / محمدحسین ساکت»؛ «سبک بیان ملاصدرا در رساله سه اصل / دکتر توفیق سبحانی»؛ «وحدت متعالی مشربهای معرفت در نزد حکمای مکتب اصفهان / دکتر محمد فنائی اشکوری»؛ «گفت و گوی تاریخی اندلس اسلامی با فرهنگ ایران زمین / دکتر حامد فولادوند»؛ «سیر فلسفه از مکتب شیراز تا مکتب اصفهان / دکتر قاسم کاکائی»؛ «از اصفهان تا بیرون [خوارزم]: میرفندرسکی و بیرونی فلسفه طبیعی و وحدت وجود / شیوا کاویانی»؛ «آیین سیاسی اشراقی؛ پاسخی گنوستیک به غزالی / دکتر محمد کریمی زنجانی اصل»؛ «حوزه علمی تهران در قرن ۱۳ و ۱۴ هجری و معرفی ملامسحیح طالقانی و حوزه اخلاقی، عرفانی این دانشمند / سهل علی مددی»؛ «سیری در آثار و احوال میرفندرسکی / سیدمحمد طباطبایی بهبهانی»؛ «میرداماد / دکتر سیدموسوی بهبهانی»؛ «تأثیر مشرب عرفانی عزیز نسفی بر مکتب اصفهان / سیدعلی اصغر میرباقری فرد»؛ «بدأ و خاستگاه فکری آن، در دیدگاه میرداماد و نقد آن / حامد ناجی اصفهانی»؛ «نگاهی به زندگی و آثار فارسی ادهم خلخالی / شیخ عبدالله نورانی» و «اصالت وجود در فلسفه سبزواری / دکتر همایون همتی».

در نخستین روز این همایش پیام کوچیروماتسودا، مدیرکل یونسکو به همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان قرائت شد. وی در این پیام تصریح کرد: ابن رشد را اغلب آخرین ارسطوگرای بزرگ مسلمان دانسته‌اند. با این حال، اهمیت گسترشهای بعدی فلسفه در شرق مسلمان که در ایران به کمال رسید و مکتب اصفهان نام گرفت، هنوز نیازمند بررسی و توضیح است.

احمد مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پیام ارسال خود ضمن ابتکاری خواندن همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان در عرصه رخدادهای فرهنگی، قرطبه و اصفهان را نماد دویاره از فرهنگ و تمدن اسلامی برشمرد. وی با اشاره به اینکه در تاریخ اسلام چندین تمدن شناخته شده است، به سهم دو تمدن ایران و اندلس در رشد و ارتقای فرهنگ اسلامی اشاره کرد.

دکتر احمد احمدی در مقاله «رابطه دین و فلسفه از نظر ابن رشد»؛ ابن رشد را از پیروان سرسخت ارسطو و شارح زبردست آثار او دانست و پس از آن به اجمال به اتفاق و اختلاف میان دین و فلسفه از دیدگاه ابن رشد پرداخت.



توانست با شایستگی هرچه تمام شجرهٔ مکتب فلسفی اصفهان را در تمام ابعاد در حکمت متعالیهٔ خود به ثمر بنشانند.

معمولاً در تاریخ فلسفهٔ اسلامی مورخان فاصلهٔ ابن رشد تا ملاصدرا را یا به اجمال بررسی می‌کنند و یا حداکثر از چند شخصیت بزرگ، چون شیخ اشراق و خواجهٔ طوسی به عنوان بنیانگذار مکتب اشراق و یا مکتب کلامی مراغه یاد می‌کنند. دکتر قاسم کاکایی ضمن بیان این مطلب، تصریح کرد: در سالهای اخیر از مکتب اصفهان نام می‌برند که بنیانگذار آن میرداماد است و ملاصدرا را نیز به همین مکتب منسوب می‌کنند، لذا فاصلهٔ بین خواجهٔ طوسی و میرداماد به عنوان دوران رکود فلسفهٔ اسلامی تلقی می‌شود. حال آنکه لازم است به جایگاه حوزهٔ فلسفی شیراز در این میان و نقش آن در زنده نگه داشتن فلسفهٔ اسلامی بیشتر توجه شود.

سیدمحمد طباطبایی بهبهانی با اشاره به شأن میرفندرسکی و مجهول‌القدر بودن این حکیم، در باب مشرب فلسفی او گفت: در تعیین مشرب فلسفی او اختلاف است. برخی به اشراقی بودنش حکم کرده و اکثراً به چندبیتی از قصیدهٔ تأثیهٔ میرفندرسکی متمسک می‌شوند که مضامین آن، عقیدهٔ گوینده به مثل افلاطونی را به ذهن متبادر می‌کند. برخی دیگر نیز قائل به مشائی بودن او هستند، و البته آنچه از مباحث فلسفی صریح میرفندرسکی برمی‌آید، جز عقیدهٔ اخیر را تأیید نمی‌کند.

«تأثیر مشرب عرفانی عزیز نسفی بر مکتب فلسفی اصفهان» عنوان مقاله‌ای بود که دکتر سیدعلی اصغر میرباقری فرد آن را ارائه کرد. وی اظهار داشت: سعدالدین حمویه که یا شیعی مذهب بود و یا دیدگاهش به شیعه بسیار نزدیک، با درآمیختن ویژگیهای مکتب نجم‌الدین کبری و مکتب محیی‌الدین بن عربی، مشرب تازه‌ای بنیان نهاد که به وسیلهٔ عزیز نسفی رونق و رواج یافت. این مکتب عرفانی بر ادوار بعدی نیز اثر گذاشت و جمعی از عارفان بزرگ اسلامی از جمله سیدحیدر آملی را تحت تأثیر قرار داد.

در جلسهٔ اختتامیهٔ این همایش پروفیسور سیدمحمد نقیب‌العطاس به نمایندگی از میهمانان خارجی و دکتر سید عطاءالله مهاجرانی به نمایندگی از میهمانان داخلی سخنرانی کردند. ضمن آنکه دکتر هرمان لندلت با نتیجه‌گیری از مقالات دانشمندان خارجی به تبیین فعالیت‌های آینده پرداخت و دکتر مهدی محقق نیز جمع‌بندی کلی‌ای از مقالات ارائه شده توسط میهمانان داخلی ارائه کرد.

«حکمت یمانی و نوآوریهای فلسفی میرداماد» مقاله‌ای بود که توسط علی اوجبی ارائه شد. وی در این مقاله حکمت یمانی را دستاورد مدرسهٔ فلسفی اصفهان دانست، که نمایندهٔ شاخص آن میرداماد است.

اوجبی اذعان داشت: این مکتب فلسفی بر کشف و شهود و تجربه‌های درونی و ذوقی اصرار می‌ورزد و همچون حکمت اشراقی، بر هماهنگی و همراهی رأی صحیح و کشف صریح تأکید دارد.

دکتر نصرالله پورجوادی در سخنرانی خود به نقش عامل جغرافیایی در تاریخ فلسفه اشاره کرد و اظهار داشت: به نظر می‌رسد که بعضی از مناطق در جهان اسلام هیچ‌گاه برای رشد فلسفه مناسب نبوده‌اند، از جمله این مناطق می‌توان به حجاز و به طور کلی شبه‌جزیرهٔ عربستان اشاره کرد. اما برخی از مناطق در بعضی ادوار، مرکز فعالیت‌های فلسفی در کل جهان اسلام بوده‌اند، مانند برخی شهرهای آذربایجان که از نیمهٔ قرن ششم به بعد بزرگ‌ترین مرکز تفکر فلسفی در جهان اسلام بوده است.

دکتر محمد خوانساری در مقالهٔ خود به وجودشناسی ابن سینا پرداخت و اظهار داشت: ابن سینا با وجود حرمت و حریمی که پیوسته برای ارسطو قائل است، موضوع بودن علل اولی یا خدای تعالی را برای متافیزیک رد می‌کند و با اصرار و ابرام هرچه تمام‌تر، همان وجود را موضوع حقیقی الهیات می‌داند. کتاب الهیات، شفا و اساساً همگی آثار او معقد و دشواریاب است. اما ابن سینا برخلاف موارد دیگر، در آغاز کتاب الهیات بسیار صریح و روشن سخن می‌گوید و به تفصیل بر این امر پای می‌فشارد که موضوع متافیزیک صرفاً وجود است نه چیز دیگر.

دکتر مهدی دهباشی در سخنان خود مکتب اصفهان را نشانه‌ای از تبلور و شکوفایی فلسفهٔ اسلامی دانست و گفت: با اینکه میرداماد به حق یکی از برجسته‌ترین حکمای است که با افکار بدیع خود مکتب فلسفی اصفهان را بنیان گذاشت، اما درحقیقت ملاصدرا بود که